

اثربخشی توانمندسازی شغلی مبتنی بر الگوی یادگیری اجتماعی کرامبولتز بر جهت گیری آینده و نگرش کارآفرینی دانش آموزان پایه نهم

محمد رضا طالبی ^۱ اصغر جعفری ^{۲*} سمیرا وکیلی ^۱	تاریخ چاپ نهایی: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۷ تاریخ چاپ اولیه: ۲ مرداد ۱۴۰۵ تاریخ پذیرش: ۶ تیر ۱۴۰۵ تاریخ بازنگری: ۱ تیر ۱۴۰۵ تاریخ ارسال: ۲ فروردین ۱۴۰۵	شیوه استناددهی: طالبی، محمد رضا، جعفری، اصغر، و وکیلی، سمیرا. (۱۴۰۷). اثربخشی توانمندسازی شغلی مبتنی بر الگوی یادگیری اجتماعی کرامبولتز بر جهت گیری آینده و نگرش کارآفرینی دانش آموزان پایه نهم. یادگیری هوشمند و تحول مدیریت، ۶(۱)، ۲۰-۱.
---	--	---

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی برنامه توانمندسازی شغلی مبتنی بر الگوی یادگیری اجتماعی کرامبولتز بر جهت گیری آینده و نگرش کارآفرینی دانش آموزان پایه نهم انجام شد. این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری دوماهه همراه با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل دانش آموزان پسر پایه نهم منطقه ۷ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ بود. تعداد ۳۰ دانش آموز به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) جایگزین شدند. گروه آزمایش طی شش جلسه ۹۰ دقیقه‌ای در برنامه توانمندسازی شغلی مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز شرکت کرد، در حالی که گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه جهت گیری آینده اشتاینبرگ و همکاران و پرسشنامه نگرش کارآفرینانه رابینسون و همکاران گردآوری و با تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر و آزمون تعقیبی بونفرونی تحلیل شدند. نتایج تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر نشان داد اثر گروه، زمان و تعامل زمان×گروه بر جهت گیری آینده و نگرش کارآفرینانه و تمامی مؤلفه‌های آن‌ها معنادار بود ($P<0/01$). همچنین نتایج آزمون بونفرونی نشان داد میانگین نمرات گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل در متغیر جهت گیری آینده ($MD=6/40$, $P<0/01$) و نگرش کارآفرینانه ($MD=34/95$, $P<0/01$) به طور معناداری افزایش یافته است. این تغییرات در مرحله پیگیری نیز پایدار باقی ماند. توانمندسازی شغلی مبتنی بر الگوی یادگیری اجتماعی کرامبولتز می‌تواند به طور مؤثری موجب ارتقای جهت گیری آینده و نگرش کارآفرینانه دانش آموزان شود. استفاده از این رویکرد در برنامه‌های هدایت تحصیلی و شغلی مدارس می‌تواند زمینه رشد خودکارآمدی، برنامه‌ریزی آینده و آمادگی کارآفرینانه نوجوانان را فراهم سازد.

واژگان کلیدی: الگوی یادگیری اجتماعی کرامبولتز، توانمندسازی شغلی، جهت گیری آینده، نگرش کارآفرینانه، دانش آموزان پایه نهم.

مشخصات نویسندگان:

۱. گروه مشاوره، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

پست الکترونیکی: jafariasghar2022@gmail.com

The Effectiveness of Career Empowerment Based on Krumboltz's Social Learning Theory on Future Orientation and Entrepreneurial Attitude among Ninth-Grade Students

Mohammad Reza Talebi ¹ Asghar Jafari ^{2*} Samira Vakili ¹	Submit Date: 22 March 2026 Revise Date: 22 June 2026 Accept Date: 27 June 2026 Initial Publish: 24 July 2026 Final Publish: 20 April 2028	How to cite: Talebi, M. R., Jafari, A., & Vakili, S. (2028). The Effectiveness of Career Empowerment Based on Krumboltz's Social Learning Theory on Future Orientation and Entrepreneurial Attitude among Ninth-Grade Students. <i>Intelligent Learning and Management Transformation</i> , 6(1), 1-20.
--	---	--

Abstract

Objective:

This study aimed to investigate the effectiveness of a career empowerment program based on Krumboltz's Social Learning Theory in improving future orientation and entrepreneurial attitude among ninth-grade students. A quasi-experimental design with pretest, posttest, and two-month follow-up assessments and a control group was employed. The statistical population consisted of male ninth-grade students in District 7 of Tehran during the 2024–2025 academic year. Thirty students were selected through purposive sampling and randomly assigned to experimental and control groups (15 participants in each group). The experimental group participated in a six-session, 90-minute career empowerment intervention grounded in Krumboltz's Social Learning Theory, whereas the control group received no intervention. Data were collected using the Future Orientation Questionnaire developed by Steinberg et al. and the Entrepreneurial Attitude Questionnaire developed by Robinson et al. Repeated-measures ANOVA and Bonferroni post hoc tests were used for data analysis. Repeated-measures ANOVA revealed significant effects of group, time, and group $\times$ time interaction on future orientation, entrepreneurial attitude, and all related dimensions ($p < .01$). Bonferroni comparisons demonstrated significantly higher scores in the experimental group than in the control group for overall future orientation ($MD = 6.40$, $p < .01$) and entrepreneurial attitude ($MD = 34.95$, $p < .01$). The observed improvements remained stable at the two-month follow-up assessment, indicating the durability of intervention effects. Career empowerment training based on Krumboltz's Social Learning Theory effectively enhanced students' future orientation and entrepreneurial attitude. The findings support the integration of learning-based career counseling interventions into school guidance programs to strengthen future planning, self-efficacy, entrepreneurial readiness, and adaptive career development among adolescents.

Keywords: *Krumboltz's Social Learning Theory; Career Empowerment; Future Orientation; Entrepreneurial Attitude; Ninth-Grade Students.*

Authors' Information:

jafariasghar2022@gmail.com

1. Department of Consulting, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kashan University, Kashan, Iran



© 2028 the authors. This is an open access article under the terms of the [CC BY-NC 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) License.

مقدمه

جهان معاصر با تحولات گسترده فناوری، اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو است که ساختارهای سنتی اشتغال و مسیرهای حرفه‌ای را به‌طور اساسی دگرگون ساخته است. در چنین شرایطی، آمادگی نسل نوجوان برای مواجهه با پیچیدگی‌های آینده شغلی به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های آموزشی تبدیل شده است. بازار کار امروز دیگر صرفاً متکی بر مهارت‌های فنی نیست، بلکه مستلزم برخورداری از قابلیت‌هایی همچون آینده‌نگری، انعطاف‌پذیری، خلاقیت، تصمیم‌گیری آگاهانه و نگرش کارآفرینانه است. به همین دلیل، مدارس و مراکز آموزشی در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند برنامه‌هایی را طراحی کنند که دانش‌آموزان را برای مدیریت مسیرهای تحصیلی و شغلی آینده آماده سازند (Maree, 2025; Zhang, 2025). در این میان، توانمندسازی شغلی دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردهای توسعه سرمایه انسانی شناخته می‌شود؛ زیرا می‌تواند زمینه لازم را برای شکل‌گیری هویت شغلی، تصمیم‌گیری آگاهانه و آمادگی برای ورود به دنیای کار فراهم آورد (Milot-Lapointe & Arifouline, 2025; Silva et al., 2023).

دوره نوجوانی، به‌ویژه سال‌های نخست متوسطه، مرحله‌ای حساس در رشد فردی و حرفه‌ای افراد محسوب می‌شود. در این دوره، نوجوانان به تدریج با انتخاب‌های تحصیلی و شغلی مواجه می‌شوند و ناگزیرند درباره آینده خود تصمیم‌گیری کنند. دانش‌آموزان پایه نهم در نظام آموزشی ایران در آستانه انتخاب رشته تحصیلی قرار دارند و تصمیم‌های آنان می‌تواند مسیر زندگی حرفه‌ای و اجتماعی آینده‌شان را تحت تأثیر قرار دهد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کیفیت تصمیم‌گیری شغلی در این دوره با عواملی نظیر خودکارآمدی، جهت‌گیری آینده، امید تحصیلی و نگرش نسبت به اشتغال ارتباط مستقیم دارد (Amiri, 2021; Mansouri Haftadar, 2022; Mirzaei & Fekri, 2018). از این‌رو، طراحی مداخلات آموزشی و مشاوره‌ای مؤثر برای ارتقای توانایی‌های شغلی نوجوانان اهمیت فراوانی دارد.

یکی از سازه‌های مهم در رشد حرفه‌ای نوجوانان، جهت‌گیری آینده است. جهت‌گیری آینده به مجموعه‌ای از افکار، نگرش‌ها، انتظارات و برنامه‌هایی اشاره دارد که افراد درباره آینده خود دارند و براساس آن رفتارهای فعلی خود را تنظیم می‌کنند. افرادی که از جهت‌گیری آینده بالاتری برخوردارند، اهداف روشن‌تری برای زندگی خود ترسیم می‌کنند، انگیزه بیشتری برای دستیابی به موفقیت دارند و در مواجهه با چالش‌ها از پشتکار بیشتری برخوردار هستند (Mardoukhi, 2022; Pawlak & Moustafa, 2023). پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که جهت‌گیری آینده با عملکرد تحصیلی، خودکارآمدی، سلامت روان، موفقیت شغلی و رضایت از زندگی ارتباط مثبت دارد (McMichael et al., 2022; Paz-, 2023; Baruch, 2024; Silva et al., 2023). از سوی دیگر، نوجوانانی که نسبت به آینده خود ابهام بیشتری دارند، در معرض بی‌انگیزگی، سردرگمی تحصیلی و مشکلات تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند (Bakhtiari, 2018).

بر اساس دیدگاه‌های جدید، جهت‌گیری آینده دارای ابعاد شناختی، انگیزشی و رفتاری است. بعد شناختی شامل تصورات و باورهای فرد درباره آینده است، بعد انگیزشی به ارزش‌ها، اهداف و انتظارات فرد از آینده اشاره دارد و بعد رفتاری نیز دربرگیرنده برنامه‌ریزی و اقدامات عملی برای دستیابی به اهداف آینده است (Coughlin et al., 2022; McMichael et al., 2022). پژوهش‌های انجام‌شده نشان داده‌اند که تقویت جهت‌گیری آینده می‌تواند موجب افزایش مشارکت تحصیلی، بهبود عملکرد آموزشی و ارتقای آمادگی شغلی نوجوانان شود (Milot-Lapointe & Arifouline, 2025; Lapointe & Le Corff, 2024). همچنین مطالعات جدید حاکی از آن است که مداخلات مشاوره‌ای و آموزشی مبتنی بر توسعه مهارت‌های حرفه‌ای قادرند سطح جهت‌گیری آینده دانش‌آموزان را به‌طور معناداری افزایش دهند (Maree, 2025; Zeng & Ka, 2025).

در کنار جهت‌گیری آینده، نگرش کارآفرینانه نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های موفقیت حرفه‌ای و اقتصادی افراد مورد توجه قرار گرفته است. نگرش کارآفرینانه به تمایل فرد برای پذیرش فرصت‌ها، خلاقیت، نوآوری، استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری و راه‌اندازی فعالیت‌های اقتصادی اشاره دارد (Asgari Ghods & Salehi, 2022; Valizadeh, 2022). در اقتصادهای دانش‌بنیان امروزی، پرورش نگرش کارآفرینانه از سنین نوجوانی اهمیت ویژه‌ای یافته است؛ زیرا افراد دارای نگرش کارآفرینانه نه تنها برای ایجاد کسب‌وکارهای جدید آمادگی بیشتری دارند، بلکه در محیط‌های کاری نیز عملکرد خلاقانه‌تر و سازگارانه‌تری از خود نشان می‌دهند (Ghafouri & Hoveyda, 2023; Soomro et al., 2021).

مطالعات متعددی نشان داده‌اند که نگرش کارآفرینانه تحت تأثیر عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی و اجتماعی قرار دارد. از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر می‌توان به خودکارآمدی، انگیزش پیشرفت، مرکز کنترل درونی، خلاقیت و تجارب یادگیری اشاره کرد (Maheshwari et al., 2022; Mohammadi & Bagheri, 2023). همچنین پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه آموزش کارآفرینی نشان داده‌اند که برنامه‌های آموزشی مناسب می‌توانند نگرش دانش‌آموزان و دانشجویان نسبت به خوداشتغالی و کارآفرینی را به‌طور معناداری بهبود بخشند (Akuraun et al., 2020; Soomro et al., 2021). در همین راستا، نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که ایجاد فرصت‌های یادگیری تجربی، مشاهده الگوهای موفق و آموزش مهارت‌های تصمیم‌گیری حرفه‌ای می‌تواند موجب رشد نگرش کارآفرینانه در نوجوانان شود (Ghafouri & Hoveyda, 2023; Mohammadi & Bagheri, 2023).

با توجه به اهمیت جهت‌گیری آینده و نگرش کارآفرینانه، پژوهشگران حوزه مشاوره شغلی تلاش کرده‌اند چارچوب‌های نظری مختلفی را برای ارتقای این سازه‌ها معرفی کنند. یکی از شناخته‌شده‌ترین نظریه‌ها در این زمینه، نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز است. این نظریه که ریشه در اصول یادگیری اجتماعی دارد، انتخاب شغل و مسیر حرفه‌ای را نتیجه تعامل عوامل ژنتیکی، شرایط محیطی، تجارب یادگیری و مهارت‌های شناختی

می‌داند (Mohd Yunus et al., 2024; Zunker, 2023). بر اساس این دیدگاه، افراد از طریق مشاهده، تجربه و دریافت بازخورد، باورها و نگرش‌های خود را شکل می‌دهند و در نتیجه مسیرهای شغلی متفاوتی را انتخاب می‌کنند.

کرامبولتز معتقد است که تصمیم‌گیری شغلی یک فرایند پویا و یادگیرنده است و افراد می‌توانند از طریق کسب تجارب جدید، اصلاح باورهای ناکارآمد و افزایش خودکارآمدی، مسیر حرفه‌ای خود را بهبود بخشند (Wampler & Sprengle, 2020; Zunker, 2023). این نظریه تأکید ویژه‌ای بر نقش یادگیری مشاهده‌ای، تجربه عملی و انعطاف‌پذیری شناختی دارد و به همین دلیل در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین مبانی نظری مداخلات مشاوره شغلی تبدیل شده است (Alkan & Cavusoglu, 2024; Mohd Yunus et al., 2024). مطالعات جدید نشان داده‌اند که آموزش‌های مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی می‌توانند موجب ارتقای مهارت‌های اجتماعی، خودکارآمدی، انعطاف‌پذیری و تصمیم‌گیری آگاهانه شوند (Alkan & Cavusoglu, 2024; Chen & Wang, 2024).

شواهد پژوهشی متعددی اثربخشی مداخلات مبتنی بر نظریه کرامبولتز را تأیید کرده‌اند. برای مثال، پژوهش‌های انجام‌شده نشان داده‌اند که این رویکرد موجب بهبود خودکارآمدی تصمیم‌گیری شغلی، کاهش بی‌تصمیمی حرفه‌ای و افزایش سازگاری مسیر شغلی می‌شود (Amiri, 2021; Khatami, 2017; Zare, 2017). همچنین پژوهش‌های داخلی و خارجی حاکی از آن است که آموزش مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی می‌تواند نگرش‌های کارآفرینانه، عملکرد شغلی و رضایت حرفه‌ای را ارتقا دهد (Ghanbari, 2021; Karami, 2023; Zare'i & Fekri, 2020). افزون بر این، مطالعاتی که بر تلفیق نظریه کرامبولتز با سایر رویکردهای مشاوره شغلی تمرکز داشته‌اند نیز نتایج مثبتی در زمینه افزایش تاب‌آوری، خودکارآمدی و مهارت‌های تصمیم‌گیری گزارش کرده‌اند (Ghorbanpour et al., 2016; Pourali Safat et al., 2015; Rezaei et al., 2015).

پژوهشگران بین‌المللی نیز بر اهمیت استفاده از مداخلات مبتنی بر یادگیری اجتماعی برای توسعه مهارت‌های حرفه‌ای نوجوانان تأکید کرده‌اند. نتایج مطالعات جدید نشان داده است که راهنمایی شغلی مبتنی بر نظریه کرامبولتز موجب بهبود تصمیم‌گیری شغلی، افزایش اشتیاق حرفه‌ای و تقویت خودپنداره شغلی دانش‌آموزان می‌شود (Chen & Wang, 2024; Ginting, 2024). همچنین بررسی‌های فراتحلیلی نشان داده‌اند که مشاوره‌های شغلی فردی می‌توانند پیامدهای مثبت قابل‌توجهی بر رشد حرفه‌ای و سلامت روان افراد داشته باشند (Milot-Lapointe & Arifouline, 2025). افزون بر این، پژوهش‌های اخیر بر ضرورت توسعه سامانه‌های نوین هدایت شغلی مبتنی بر داده و فناوری برای حمایت از تصمیم‌گیری حرفه‌ای دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند (Zhang, 2025).

با وجود گسترش مطالعات در حوزه مشاوره شغلی، همچنان شواهد اندکی درباره اثربخشی توانمندسازی شغلی مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز بر جهت‌گیری آینده و نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان دوره اول متوسطه، به‌ویژه دانش‌آموزان پایه نهم، وجود دارد. از آنجا که این

دانش‌آموزان در آستانه تصمیم‌گیری‌های مهم تحصیلی و شغلی قرار دارند و شکل‌گیری نگرش‌های حرفه‌ای آنان می‌تواند مسیر آینده زندگی‌شان را تحت تأثیر قرار دهد، انجام پژوهش‌های مداخله‌ای در این حوزه ضروری به نظر می‌رسد. همچنین مطالعات پیشین بیشتر بر متغیرهایی مانند خودکارآمدی، رضایت شغلی، عملکرد شغلی و تصمیم‌گیری حرفه‌ای تمرکز داشته‌اند و کمتر به بررسی همزمان جهت‌گیری آینده و نگرش کارآفرینانه پرداخته‌اند (Alizadeh, 2019; Mohammadi Roshan, 2021; Paz-Baruch, 2024; Sidiropoulou, 2015; Dimakakou et al., 2015).

بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی توانمندسازی شغلی مبتنی بر الگوی یادگیری اجتماعی کرامبولتز بر جهت‌گیری آینده و نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان پایه نهم است.

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون و پیگیری با گروه کنترل است. جامعه آماری این پژوهش، شامل تمامی دانش‌آموزان پسر پایه نهم آموزش و پرورش منطقه ۷ تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. روش نمونه‌گیری در این پژوهش روش نمونه‌گیری هدفمند با جایگزین تصادفی بود؛ نمونه‌گیری بدین صورت بود که یک مدرسه پسرانه متوسطه اول از آموزش و پرورش منطقه ۷ تهران به صورت هدفمند انتخاب شد و سپس پرسشنامه‌های جهت‌گیری آینده و نگرش کارآفرینی در میان دانش‌آموزان پایه نهم این مدرسه توزیع شد، دانش‌آموزانی که نمره پایینی در این متغیرها داشتند، شناسایی و ۳۰ نفر از این دانش‌آموزان به صورت تصادفی در گروه‌های آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) جایگزین شدند. مداخلات آموزشی (شامل پروتکل آموزشی ۶ جلسه‌ای و هر هفته یک جلسه ۹۰ دقیقه‌ای) توسط پژوهشگر بر روی گروه آزمایش اجرا شد، گروه کنترل هیچ گونه مداخله‌ای دریافت نکرد و پس از اتمام آموزش‌ها از هر دو گروه پس‌آزمون گرفته شد. لازم به ذکر است که جهت رعایت اخلاق پژوهشی رضایت افراد برای شرکت در برنامه مداخله کسب و از کلیه مراحل مداخله آگاه شدند. همچنین به افراد گروه کنترل اطمینان داده شد که آنان نیز پس از اتمام فرآیند پژوهشی این مداخلات را دریافت خواهند نمود. به منظور بررسی پایداری اثربخشی برنامه‌ها، یک مرحله اندازه‌گیری نیز به صورت پیگیری به فاصله ۲ ماه پس از آخرین جلسه آموزشی انجام شد. در این مطالعه ملاک‌ها و ضوابط اخلاقی با رعایت اصول رازداری، محرمانه ماندن اطلاعات، توضیح شفاف درباره اهداف و مراحل اجرای مطالعه و احترام به درخواست شرکت‌کنندگان برای خروج از روند مداخله، کاملاً رعایت شد. معیارهای ورود عبارت بودند از دانش‌آموز نوجوان پایه نهم، تحصیل در مقطع اول متوسطه، رده سنی ۱۶-۱۲ ساله، رضایت دانش‌آموزان برای مشارکت در پژوهش، حضور مداوم و منظم در جلسات آموزشی و معیارهای خروج شامل خروج داوطلبانه و آزاد از مطالعه، عدم شرکت در دوره‌های آموزشی دیگر، غیبت بیش از دو جلسه، مهاجرت آزمودنی.

جدول ۱: شرح جلسات آموزش مشاوره شغلی مبتنی بر یادگیری اجتماعی کرامبولتز (برگرفته از پروتکل امیری، ۱۴۰۱)

جلسه	هدف جلسه	محتوای آموزشی	تکالیف و فعالیت
اول	آشنایی اعضا با اهداف دوره، ایجاد همدلی و درک چارچوب کلی یادگیری اجتماعی در انتخاب شغل	معرفی مشاور و اعضای گروه، مرور قوانین گروه، تشریح مبانی نظری یادگیری اجتماعی و نقش آن در تصمیم گیری شغلی، توضیح روند جلسات	تهیه یادداشت شخصی از انتظارات فرد از دوره و اهداف شغلی مورد علاقه
دوم	شناخت مفهوم خودپنداره شغلی و بررسی عوامل موثر بر تصمیم گیری شغلی	آموزش درباره خودپنداره، خودکارآمدی و نقش مهارت‌ها در تجارب در انتخاب شغل، بحث گروهی درباره تجارب فردی و عوامل اجتماعی-آموزشی موثر	نوشتن فهرستی از توانایی ها، علایق و ارزش‌های فردی مرتبط با شغل مورد علاقه
سوم	تقویت خودکارآمدی و کشف فرصت‌های یادگیری از تجارب گذشته	تمرین شناسایی موقعیت‌های شخصی، بررسی نحوه استفاده از مهارت‌ها در موقعیت‌های مختلف، آموزش درباره یادگیری مشاهده‌ای و نقش آن در تصمیم گیری شغلی	مصاحبه کوتاه با فردی شاغل در حرفه مورد علاقه و یادداشت نکات آموخته شده
چهارم	شناسایی و اصلاح باورهای محدود کننده در مسیر انتخاب شغل	بحث درباره باورهای ناکارآمد (من نمی‌توانم، بازار کار بسته است و غیره) آموزش بازسازی شناختی و تقویت باورهای مثبت، تمرین گروهی برای تغییر نگرش‌ها	ثبت سه باور محدود کننده درباره شغل و بازنویسی آنها به شکل مثبت
پنجم	تقویت تجارب یادگیری و کاربرد آن‌ها در تصمیم گیری شغلی	مرور تجارب شغلی گذشته، تحلیل بازخورد گروهی، ارائه راهکار برای افزایش تجربه محوری در یادگیری، بحث درباره نقش اشتباهات در رشد شغلی	تدوین یک برنامه کوتاه برای افزایش تجارب یادگیری (مثل کار داوطلبانه یا مشاهده شغلی)
ششم	توانایی تحلیل محدودیت‌ها و امکانات محیطی در انتخاب شغل	آموزش درباره نقش شرایط محیطی و اجتماعی در تصمیم گیری شغلی، تمرین تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای شغلی، بررسی راهکارهای رفع موانع	تهیه جدولی از فرصت‌ها، موانع و اقدامات لازم برای دستیابی به اهداف شغلی شخصی

الف) پرسشنامه جهت گیری آینده اشتاینبرگ و همکاران (۲۰۰۹): این پرسشنامه جهت سنجش جهت گیری آینده توسط اشتاینبرگ، گراهام، اویرین، وولارد، کافمن و بانیچ (۲۰۰۹) تهیه شده است. این شاخص خود گزارشی ۱۵ جفت عبارت را به پاسخ دهندگان معرفی میکند و از پاسخ دهندگان می‌خواهد عبارتی را انتخاب کنند که بهترین توصیف کننده آنان است. نمرات بالاتر، جهت گیری آینده بالاتر را نشان می‌دهد. این مقیاس دارای ۳ خرده مقیاس چشم انداز زمان (۵ سوال)، پیش بینی پیامدهای آینده (۵ سوال) و برنامه ریزی‌های آینده (۵ سوال) است. اشتاینبرگ و همکاران (۲۰۰۹) آلفای کرونباخ برای چشم انداز زمانی ۰/۵۵، پیش بینی پیامدهای آینده ۰/۶۲ و برنامه ریزی آینده ۰/۷۰ را بر روی دانش آموزان و دانشجویان بدست آورده است، همچنین اشتاینبرگ و همکاران (۲۰۰۹)، با محاسبه همبستگی میان نمرات مقیاس جهت گیری آینده و مقیاس خود گزارشی جهت گیری هدف، روایی این مقیاس را تایید کرده اند. احمدی (۱۳۹۶) در پژوهشی ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۸۵ گزارش کرده که نشان می‌دهد مقیاس از ضریب پایایی بالا و قابل قبول برخوردار است. همچنین روایی محتوایی این پرسشنامه را پنج نفر از اساتید

روانشناسی و مشاوره مورد تأیید قرار داده اند. در پژوهش جعفری (۱۳۹۷) آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۸۱ گزارش شده است. همچنین میزان آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۷۹ به دست آمد.

ب) پرسشنامه نگرش کارآفرینانه رابینسون و همکاران (۱۹۹۱): آزمون نگرش کارآفرینانه برای اولین بار در سال ۱۹۹۱ توسط رابینسون و همکاران تهیه شد. در این آزمون چهار حوزه مهم کارآفرینی شامل انگیزش پیشرفت (۲۳ سوال)، مرکز کنترل درونی (۱۲ سوال)، خلاقیت (۲۶ سوال) و عزت نفس (۱۴ سوال) براساس طیف لیکرت کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) سنجش می شود که سوالات ۵، ۱۴، ۱۸، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۷، ۳۸، ۵۰، ۶۶، ۷۳، ۷۴ به صورت معکوس نمره گذاری می شود. مصحف (۱۳۸۴) فرم اولیه ۷۵ سؤالی آزمون را طی سه مطالعه مقدماتی بر روی ۵۰ دانشجوی دانشگاه اصفهان اجرا کرد و پس از تعیین همبستگی هر سؤال با نمره کل، سؤالهایی که همبستگی بالایی با نمره کل داشتند ($P=0/01$)، باقی ماندند و بقیه سؤالها حذف شدند و بدین ترتیب فرم نهایی با ۵۵ سؤال آماده و برای نمره گذاری از طیفی با گزینه از ۱ تا ۱۰ استفاده شد. در این پژوهش محقق از فرم اصلی ۷۵ سوال استفاده شد. قنبری (۱۴۰۰) ضریب آلفای کرونباخ آن را ۰/۹۴ بدست آورده است و همچنین روایی همزمان آن با پرسشنامه خودکارآمدی، کارآفرینی و نگرش کارآفرینی ۰/۶۲ بوده است. در پژوهش محسنی و همکاران (۱۳۹۲) به منظور محاسبه همسانی درونی مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ۰/۸۴ به دست آمد در این پژوهش نیز میزان آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

برای تحلیل داده ها از آزمون اندازه گیری های مکرر و آزمون تعقیبی بونفرنی برای بررسی فرضیه های پژوهش با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-۲۶ استفاده شد.

یافته ها

میانگین سن آزمودنی ها در گروه کنترل برابر با $15/13 \pm 0/74$ سال و در گروه آزمایش برابر $15/26 \pm 0/59$ سال بود. در گروه کنترل میزان تحصیلات پدر اکثر شرکت کنندگان در تحقیق (۲۶/۷ درصد) دیپلم و فوق لیسانس و در گروه آزمایش (۴۶/۷ درصد) دیپلم بودند. همچنین در گروه کنترل میزان تحصیلات مادر اکثر شرکت کنندگان (۴۰ درصد) لیسانس و در گروه آزمایش نیز (۴۰ درصد) لیسانس بودند.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای جهت گیری آینده و نگرش کارآفرینی در مراحل پیش آزمون و پس آزمون در دو

گروه آزمایش و گروه کنترل

متغیرها	گروه آزمایش				گروه کنترل							
	پیش آزمون		پس آزمون		پیش آزمون		پس آزمون		پیش آزمون		پس آزمون	
	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M
چشم انداز زمان	۱۰/۳۳	۱/۴۴	۱۳/۵۳	۱/۹۵	۱۳/۴۰	۱/۹۹	۹/۶۶	۱/۳۴	۱۰/۴۶	۱/۴۰	۱۰/۴۰	۱/۴۰
پیش بینی پیامدهای آینده	۱۴/۴۶	۱/۵۵	۱۵/۰۶	۱/۶۶	۱۴/۰۰	۱/۶۴	۱۳/۴۰	۱/۴۰	۱۲/۴۰	۱/۴۰	۱۲/۲۶	۱/۴۸
برنامه ریزی آینده	۱۲/۳۳	۱/۳۵	۱۵/۰۶	۱/۶۶	۱۵/۰۰	۱/۶۴	۱۱/۵۳	۱/۴۰	۱۲/۴۰	۱/۴۰	۱۲/۲۶	۱/۴۸
جهت گیری آینده (کل)	۳۶/۹۳	۰/۹۶	۴۳/۶۶	۰/۷۲	۴۳/۴۰	۱/۲۴	۳۴/۶۰	۱/۲۴	۳۵/۲۶	۰/۸۸	۳۴/۹۳	۱/۱۶
انگیزش پیشرفت	۴۶/۴۶	۲/۵۳	۶۵/۶۰	۲/۰۹	۶۵/۳۳	۲/۱۹	۴۵/۶۶	۱/۹۱	۴۷/۱۳	۱/۵۵	۴۷/۰۰	۱/۶۹
مرکز کنترل درونی	۲۴/۰۶	۱/۹۰	۳۷/۴۶	۱/۲۴	۳۷/۳۳	۱/۴۴	۲۵/۰۶	۲/۲۵	۲۴/۲۶	۲/۰۸	۲۴/۲۰	۲/۱۴
خلاقیت	۴۸/۶۶	۱/۷۵	۶۱/۰۰	۱/۵۵	۶۰/۹۳	۱/۶۶	۴۷/۴۰	۱/۶۳	۴۶/۷۳	۱/۸۳	۴۶/۶۰	۱/۹۱
عزت نفس	۲۴/۰۰	۱/۹۲	۳۲/۶۰	۱/۶۳	۳۲/۴۰	۱/۵۴	۲۵/۲۰	۱/۴۷	۲۵/۹۳	۱/۳۸	۲۵/۸۰	۱/۴۷
نگرش کارآفرینانه (کل)	۱۴۳/۲۰	۱/۷۴	۱۹۶/۶۶	۱/۸۳	۱۹۶/۰۰	۱/۷۷	۱۴۳/۳۳	۱/۴۹	۱۴۴/۰۶	۱/۹۴	۱۴۳/۶۰	۲/۱۶

با توجه به اطلاعات جدول فوق میانگین نمرات جهت گیری آینده و نگرش کارآفرینانه و ابعاد آنها در مرحله پس آزمون نسبت به پیش آزمون در گروه آزمایش با تغییر همراه بوده است اما نمرات پس آزمون این متغیرها در گروه کنترل تغییر چندانی نداشته است.

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر برای تعیین اثربخشی توانمند سازی شغلی مبتنی بر یادگیری اجتماعی کرومبولتز

بر متغیرهای وابسته

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آماری
چشم انداز زمان	گروه	۱	۱۱۳/۳۴۴	۱۶/۷۴	۰/۰۱	۰/۱۷	۱
زمان	گروه	۱/۰۹	۶۹/۶۹۸	۷۱/۶۵	۰/۰۱	۰/۲۸	۱
زمان*گروه	گروه	۱/۰۹	۲۵/۶۳۱	۲۶/۳۴	۰/۰۱	۰/۳۳	۱
پیامدهای آینده	گروه	۱	۱۰۴/۵۴۴	۲۲/۱۳	۰/۰۱	۰/۳۱	۱
زمان	گروه	۱/۰۴	۴۵/۴۱۱	۷/۷۶	۰/۰۱	۰/۱۷	۱
زمان*گروه	گروه	۱/۰۴	۱۲/۸۱۵	۵/۷۹	۰/۰۵	۰/۱۳	۱
برنامه ریزی آینده	گروه	۱	۹۰/۰۰۰	۱۶/۱۹	۰/۰۱	۰/۲۶	۱
زمان	گروه	۱/۰۸	۶۳/۳۳۲	۵۷/۶۲	۰/۰۱	۰/۴۰	۱
زمان*گروه	گروه	۱/۰۸	۲۰/۳۷۲	۱۸/۵۳	۰/۰۱	۰/۲۹	۱
جهت گیری آینده (کل)	گروه	۱	۹۲۱/۶۰۰	۷۲۷/۵۷	۰/۰۱	۰/۶۸	۱
زمان	گروه	۱/۸۷	۱۳۵/۴۴۲	۱۲۲/۶۱	۰/۰۱	۰/۴۷	۱

زمان* گروه	۱۸۶/۰۶۷	۱/۸۷	۹۹/۴۵۲	۹۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۵۰	۱
انگیزش پیشرفت	گروه	۱	۳۵۳۴/۴۰۰	۳۶۲/۹۴	۰/۰۱	۰/۵۵	۱
زمان	۲۰۸۱/۴۰۰	۱/۰۹	۱۸۹۶/۶۳۵	۸۲۰/۰۶	۰/۰۱	۰/۶۳	۱
زمان* گروه	۱۵۴۸/۸۶۷	۱/۰۹	۱۴۱۱/۳۷۴	۶۱۰/۲۴	۰/۰۱	۰/۵۹	۱
مرکز کنترل درونی	گروه	۱	۱۶۰۴/۴۴۴	۱۹۱/۰۴	۰/۰۱	۰/۴۹	۱
زمان	۷۸۱/۴۰۰	۱/۰۳	۷۵۲/۸۰۱	۳۴۶/۶۷	۰/۰۱	۰/۵۵	۱
زمان* گروه	۱۰۰۳/۴۸۹	۱/۰۳	۹۶۶/۷۶۱	۴۴۵/۲۱	۰/۰۱	۰/۵۶	۱
خلاقیت	گروه	۱	۲۲۳۰/۰۴۴	۳۳۷/۸۰	۰/۰۱	۰/۵۳	۱
زمان	۶۶۹/۰۸۸	۱/۰۴	۶۴۳/۳۷۳	۲۷۷/۳۲	۰/۰۱	۰/۵۱	۱
زمان* گروه	۸۴۹/۳۵۶	۱/۰۴	۸۱۶/۷۱۱	۳۵۲/۰۳	۰/۰۱	۰/۵۵	۱
عزت نفس	گروه	۱	۳۶۴/۰۱۱	۵۶/۵۲	۰/۰۱	۰/۳۸	۱
زمان	۴۲۰/۵۵۶	۱/۱۴	۳۶۷/۷۵۴	۳۸۴/۵۴	۰/۰۱	۰/۷۲	۱
زمان* گروه	۳۰۶/۸۲۲	۱/۱۴	۲۶۸/۳۰۰	۲۸۰/۵۴	۰/۰۱	۰/۴۹	۱
نگرش کار آفرینانه (کل)	گروه	۱	۲۷۴۹۲/۵۴۴	۶۹۱۹/۸۱	۰/۰۱	۰/۸۳	۱
زمان	۱۴۳۸۷/۴۸۹	۱/۷۵	۸۱۸۷/۹۶۹	۲۳۳۷/۳۱	۰/۰۱	۰/۷۶	۱
زمان* گروه	۱۳۸۵۱/۴۸۹	۱/۶۵	۷۸۸۲/۹۲۹	۲۲۵۰/۲۴	۰/۰۱	۰/۶۷	۱

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که اثر گروه، زمان و تعامل زمان و گروه معنادار ($P < ۰/۰۱$) است. با توجه به اثر الگوی مشاوره شغلی مبتنی بر یادگیری اجتماعی کرامبولتز بر گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل باعث افزایش جهت گیری آینده و نگرش کار آفرینانه شده است و با توجه به اثر زمان و تعامل زمان و گروه بین مراحل پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری آنها تفاوت معناداری وجود دارد. در ادامه نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی برای مقایسه جهت گیری آینده و نگرش کار آفرینانه و ابعاد آن‌ها در مراحل ارزیابی در جدول ذیل ارائه شده است

جدول ۴: مقایسه میانگین نمرات متغیرها به تفکیک دو گروه آزمایش و کنترل بر اساس آزمون بونفرونی

متغیر	گروه اول	گروه دوم	اختلاف میانگین	خطای استاندارد	سطح معناداری
چشم انداز زمان	یادگیری اجتماعی کرامبولتز	کنترل	۲/۶۷	۰/۵۱	۰/۰۱
پیش بینی پیامدهای آینده	یادگیری اجتماعی کرامبولتز	کنترل	۱/۵۴	۰/۵۴	۰/۰۵
برنامه ریزی آینده	یادگیری اجتماعی کرامبولتز	کنترل	۲/۰۰	۰/۴۹	۰/۰۱
جهت گیری آینده (کل)	یادگیری اجتماعی کرامبولتز	کنترل	۶/۴۰	۰/۲۳	۰/۰۱
انگیزش پیشرفت	یادگیری اجتماعی کرامبولتز	کنترل	۱۲/۵۳	۰/۶۵	۰/۰۱
مرکز کنترل درونی	یادگیری اجتماعی کرامبولتز	کنترل	۸/۴۴	۰/۶۱	۰/۰۱
خلاقیت	یادگیری اجتماعی کرامبولتز	کنترل	۹/۹۵	۰/۵۴	۰/۰۱
عزت نفس	یادگیری اجتماعی کرامبولتز	کنترل	۴/۰۲	۰/۵۳	۰/۰۱
نگرش کار آفرینانه	یادگیری اجتماعی کرامبولتز	کنترل	۳۴/۹۵	۰/۴۲	۰/۰۱

سطوح معناداری جدول فوق نشان می‌دهد که بر اساس آزمون تعقیبی بونفرونی و سطح خطای پنج درصد میانگین نمرات هر دو متغیر و ابعاد آنها در گروه کنترل و گروه آزمایش اختلاف معناداری دارند. بنابراین با توجه اختلاف میانگین‌ها و میزان سطح معناداری، توانمندسازی شغلی مبتنی بر الگوی یادگیری اجتماعی کرمبولتز توانسته بر افزایش جهت‌گیری آینده و نگرش کارآفرینی دانش‌آموزان پایه نهم تأثیر مثبت و معناداری داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی توانمندسازی شغلی مبتنی بر الگوی یادگیری اجتماعی کرمبولتز بر جهت‌گیری آینده و نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان پایه نهم بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که این مداخله توانسته است به‌طور معناداری موجب افزایش جهت‌گیری آینده و تمامی ابعاد آن شامل چشم‌انداز زمانی، پیش‌بینی پیامدهای آینده و برنامه‌ریزی آینده شود. همچنین نتایج نشان داد که نگرش کارآفرینانه و مؤلفه‌های آن شامل انگیزش پیشرفت، مرکز کنترل درونی، خلاقیت و عزت‌نفس در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل به‌طور معناداری افزایش یافته است. علاوه بر این، نتایج مرحله پیگیری بیانگر پایداری اثرات مداخله در طول زمان بود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی کرمبولتز می‌تواند به‌عنوان یک رویکرد مؤثر در آماده‌سازی نوجوانان برای تصمیم‌گیری‌های تحصیلی و شغلی آینده مورد استفاده قرار گیرد.

در تبیین تأثیر این مداخله بر جهت‌گیری آینده می‌توان بیان کرد که نظریه یادگیری اجتماعی کرمبولتز بر نقش تجربه‌های یادگیری، مشاهده الگوها، باورهای شناختی و تعامل با محیط در شکل‌گیری رفتارهای حرفه‌ای تأکید دارد. هنگامی که دانش‌آموزان در جریان جلسات آموزشی فرصت می‌یابند توانایی‌ها، علایق، ارزش‌ها و فرصت‌های شغلی خود را شناسایی کنند، به تدریج تصویر روشن‌تری از آینده حرفه‌ای خود شکل می‌دهند. این فرایند موجب می‌شود آینده برای آنان ملموس‌تر، دست‌یافتنی‌تر و قابل برنامه‌ریزی‌تر به نظر برسد. از منظر روان‌شناختی، جهت‌گیری آینده زمانی تقویت می‌شود که فرد بتواند میان رفتارهای فعلی و پیامدهای بلندمدت آن ارتباط معناداری برقرار کند. در جلسات مبتنی بر الگوی کرمبولتز، دانش‌آموزان از طریق تحلیل تجربه‌های موفقیت و شکست، مشاهده الگوهای حرفه‌ای و بازسازی شناختی باورهای محدودکننده، این ارتباط را بهتر درک می‌کنند و در نتیجه توانایی بیشتری برای هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی آینده پیدا می‌کنند. این تبیین با دیدگاه‌های مطرح‌شده در پژوهش‌های مرتبط با جهت‌گیری آینده همسو است که آینده‌نگری را حاصل تعامل فرایندهای شناختی، انگیزشی و رفتاری می‌دانند (Coughlin et al., 2022; McMichael et al., 2022; Pawlak & Moustafa, 2023).

یافته حاضر در خصوص بهبود جهت‌گیری آینده با نتایج پژوهش‌های متعددی همخوانی دارد. برای مثال، پژوهش امیری نشان داد که مشاوره شغلی مبتنی بر نظریه کرمبولتز موجب افزایش خودکارآمدی تصمیم‌گیری شغلی و کاهش بی‌تصمیمی مسیر شغلی دانش‌آموزان می‌شود (Amiri, 2021). از آنجا که خودکارآمدی تصمیم‌گیری یکی از پیش‌نیازهای اساسی جهت‌گیری آینده محسوب می‌شود، می‌توان انتظار داشت ارتقای آن

به بهبود نگرش نسبت به آینده منجر گردد. همچنین نتایج پژوهش‌های زارع (Zare, 2017)، خاتمی (Khatami, 2017) و رضایی و همکاران (Rezaei et al., 2015) نشان داده‌اند که مداخلات مبتنی بر نظریه‌های مسیر شغلی و یادگیری اجتماعی می‌توانند سازگاری شغلی، خودکارآمدی و توانایی برنامه‌ریزی آینده را ارتقا دهند. افزون بر این، مطالعات جدید در حوزه مشاوره شغلی بیانگر آن است که مداخلات حرفه‌ای ساختاریافته موجب افزایش امید، اشتیاق و آینده‌نگری دانش‌آموزان می‌شوند (Maree, 2025; Milot-Lapointe & Le Corff, 2024; Milot- Lapointe & Arifouline, 2025).

از سوی دیگر، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که توانمندسازی شغلی مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز توانسته است نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان را نیز به‌طور معناداری افزایش دهد. این یافته از منظر نظری کاملاً قابل تبیین است. کرامبولتز معتقد است افراد بخش مهمی از نگرش‌ها و رفتارهای خود را از طریق مشاهده، تجربه و تعامل با محیط می‌آموزند. هنگامی که دانش‌آموزان در معرض اطلاعات مرتبط با مشاغل، نمونه‌های موفق حرفه‌ای و تجارب یادگیری قرار می‌گیرند، باور آنان نسبت به امکان موفقیت فردی افزایش می‌یابد. این افزایش باور به توانایی‌های شخصی، به تقویت انگیزش پیشرفت، احساس کنترل بر رویدادها، خلاقیت و عزت‌نفس منجر می‌شود که همگی از مؤلفه‌های اصلی نگرش کارآفرینانه هستند. در واقع، الگوی کرامبولتز به دانش‌آموزان کمک می‌کند فرصت‌ها را شناسایی کنند، موانع را به‌عنوان چالش‌های قابل مدیریت ببینند و برای دستیابی به اهداف حرفه‌ای خود مسئولیت بیشتری بپذیرند. چنین فرایندی زمینه‌ساز شکل‌گیری نگرش‌های کارآفرینانه را فراهم می‌کند.

نتایج این بخش از پژوهش با یافته‌های اکوران و همکاران (Akuraun et al., 2020) همسو است که نشان دادند آموزش‌های کارآفرینی موجب بهبود نگرش نسبت به خوداشتغالی می‌شود. همچنین پژوهش سومرو و همکاران (Soomro et al., 2021) بیانگر آن بود که نگرش مثبت نسبت به کارآفرینی یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های گرایش به فعالیت‌های کارآفرینانه در آینده است. در همین راستا، ماهشواری و همکاران (Maheshwari et al., 2022) در مرور نظام‌مند خود نشان دادند که عوامل آموزشی، شناختی و محیطی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نگرش‌های کارآفرینانه در دانش‌آموزان هستند. از آنجا که مداخله حاضر هر سه بعد مذکور را پوشش می‌دهد، یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج آن مطالعات کاملاً همخوانی دارد.

همچنین نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های قنبری (Ghanbari, 2021) و کرمی (Karami, 2023) همسو است. این پژوهشگران گزارش کردند که مشاوره شغلی مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز موجب بهبود نگرش‌ها و رفتارهای کارآفرینانه در دانشجویان می‌شود. هرچند جامعه مورد مطالعه آنان دانشجویان بودند، اما شباهت نتایج نشان می‌دهد که سازوکارهای اساسی نظریه کرامبولتز در گروه‌های سنی مختلف قابل استفاده است. همچنین نتایج پژوهش محمدی و باقری (Mohammadi & Bagheri, 2023) نشان داد که خودپنداره شغلی و راهبردهای انگیزشی با

گرایش‌های کارآفرینانه رابطه مثبت دارند. در پژوهش حاضر نیز احتمالاً آموزش‌های ارائه‌شده از طریق افزایش خودپنداره شغلی و باور به توانمندی‌های فردی، موجب رشد نگرش کارآفرینانه شده است.

در سطحی عمیق‌تر، می‌توان نتایج پژوهش حاضر را بر اساس مفهوم خودکارآمدی تبیین کرد. بندورا و پیروان او معتقدند افراد زمانی به فعالیت‌های جدید گرایش پیدا می‌کنند که باور داشته باشند قادر به انجام موفقیت‌آمیز آن‌ها هستند. نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز نیز بر همین اصل استوار است. طی جلسات آموزشی، دانش‌آموزان از طریق مشاهده الگوهای موفق، انجام تکالیف عملی، دریافت بازخورد و تحلیل تجارب شخصی، احساس شایستگی بیشتری پیدا می‌کنند. این احساس شایستگی به افزایش خودکارآمدی منجر می‌شود و خودکارآمدی نیز به نوبه خود موجب افزایش برنامه‌ریزی آینده، امید، انگیزش پیشرفت و نگرش کارآفرینانه می‌شود. نتایج پژوهش‌های پاز-باروخ (Paz-Baruch, 2024)، سیلوا و همکاران (Silva et al., 2023) و سیدپروپولو-دیماکاکو و همکاران (Sidiropoulou-Dimakakou et al., 2015) نیز اهمیت نقش خودکارآمدی در موفقیت تحصیلی و برنامه‌ریزی حرفه‌ای را تأیید کرده‌اند.

یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش حاضر، پایداری اثرات مداخله در مرحله پیگیری بود. ثبات نتایج نشان می‌دهد که تغییرات ایجادشده صرفاً ناشی از هیجان ناشی از شرکت در جلسات آموزشی نبوده، بلکه دانش‌آموزان توانسته‌اند آموخته‌های خود را در زندگی روزمره به کار گیرند. این یافته با پژوهش‌های پورعلی‌صفت و همکاران (Pourali Safat et al., 2015)، زارعی و فکری (Zare'i & Fekri, 2020)، میرزایی و فکری (Mirzaei & Fekri, 2018) و جینتینگ (Ginting, 2024) همخوانی دارد که پایداری اثرات مداخلات مبتنی بر یادگیری اجتماعی را گزارش کرده‌اند. همچنین پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که هنگامی که آموزش‌های شغلی مبتنی بر تجربه، بازخورد و مشارکت فعال طراحی شوند، آثار آن‌ها در بلندمدت نیز حفظ می‌شود (Zeng & Ka, 2025; Zhang, 2025).

به طور کلی، مجموعه یافته‌های پژوهش حاضر از مبانی نظری کرامبولتز حمایت می‌کند. این نظریه بیان می‌کند که انتخاب‌های شغلی نتیجه تعامل پویا میان عوامل فردی، محیطی و یادگیری هستند (Mohd Yunus et al., 2024; Zunker, 2023). نتایج حاضر نشان داد که ایجاد فرصت‌های یادگیری هدفمند و هدایت‌شده در محیط مدرسه می‌تواند نگرش نوجوانان نسبت به آینده و کارآفرینی را بهبود بخشد. از این منظر، مدارس نه تنها مسئول انتقال دانش، بلکه مسئول آماده‌سازی دانش‌آموزان برای مواجهه موفق با آینده حرفه‌ای نیز هستند. در نتیجه، استفاده از برنامه‌های توانمندسازی شغلی مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی می‌تواند به عنوان یکی از راهبردهای مؤثر نظام آموزشی برای ارتقای آمادگی حرفه‌ای نسل آینده مورد توجه قرار گیرد (Alkan & Cavusoglu, 2024; Chen & Wang, 2024; Mohammadi Roshan, 2021).

پژوهش حاضر با وجود یافته‌های ارزشمند، دارای محدودیت‌هایی بود که باید در تفسیر نتایج مورد توجه قرار گیرد. نخست، جامعه آماری پژوهش تنها شامل دانش‌آموزان پسر پایه نهم منطقه ۷ شهر تهران بود؛ بنابراین تعمیم نتایج به دانش‌آموزان دختر، سایر مقاطع تحصیلی و مناطق جغرافیایی دیگر باید با احتیاط انجام شود. دوم، حجم نمونه نسبتاً محدود بود و استفاده از نمونه‌های بزرگ‌تر می‌تواند دقت برآوردها را افزایش دهد. سوم، داده‌ها بر اساس ابزارهای خودگزارشی جمع‌آوری شدند که ممکن است تحت تأثیر تمایل پاسخ‌دهی اجتماعی یا خطاهای ادراکی قرار گرفته باشند. همچنین مدت پیگیری پژوهش نسبتاً کوتاه بود و امکان بررسی پایداری بلندمدت اثرات مداخله فراهم نشد.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با استفاده از نمونه‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تر از نظر جنسیت، پایه تحصیلی و موقعیت جغرافیایی انجام شوند تا امکان تعمیم نتایج افزایش یابد. همچنین اجرای مطالعات طولی با دوره‌های پیگیری شش ماهه و یک‌ساله می‌تواند اطلاعات دقیق‌تری درباره پایداری اثرات مداخلات فراهم آورد. بررسی نقش متغیرهای میانجی مانند خودکارآمدی شغلی، هویت حرفه‌ای، امید به آینده، تاب‌آوری و اشتیاق شغلی نیز می‌تواند به تبیین دقیق‌تر سازوکارهای اثرگذاری این رویکرد کمک کند. افزون بر این، مقایسه اثربخشی نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز با سایر رویکردهای نوین مشاوره شغلی می‌تواند شواهد ارزشمندی برای انتخاب مداخلات مؤثرتر در محیط‌های آموزشی فراهم سازد.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های توانمندسازی شغلی مبتنی بر یادگیری اجتماعی به صورت منظم در مدارس متوسطه اجرا شوند. مشاوران مدارس می‌توانند با استفاده از فعالیت‌هایی نظیر مشاهده الگوهای شغلی موفق، بازدید از محیط‌های کاری، ایفای نقش، کارگاه‌های مهارت‌آموزی و جلسات برنامه‌ریزی حرفه‌ای، زمینه رشد جهت‌گیری آینده و نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان را فراهم کنند. همچنین طراحی بسته‌های آموزشی ویژه معلمان و مشاوران، توسعه سامانه‌های هدایت تحصیلی و شغلی و گنجاندن آموزش‌های کارآفرینی در برنامه‌های درسی می‌تواند به ارتقای آمادگی حرفه‌ای نوجوانان و تسهیل گذار آنان به دنیای کار کمک کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

Extended Abstract

Introduction

The accelerating pace of technological innovation, globalization, and labor market transformation has fundamentally altered the competencies required for successful participation in contemporary societies. As traditional career pathways become increasingly unstable and dynamic, educational systems are expected not only to provide academic knowledge but also to equip students with the psychological resources necessary for effective career development. Among these resources, future orientation and entrepreneurial attitude have emerged as two critical constructs associated with adolescents' educational achievement, career adaptability, and long-term professional success. Future orientation refers to an individual's cognitive, motivational, and behavioral tendency to think about, plan for, and prepare for future outcomes. Research indicates that students with stronger future orientation demonstrate greater academic engagement, higher levels of self-efficacy, more effective goal-setting behaviors, and enhanced resilience in the face of challenges (Coughlin et al., 2022; McMichael et al., 2022; Pawlak & Moustafa, 2023). Similarly, entrepreneurial attitude reflects a positive disposition toward innovation, opportunity recognition, risk-taking, independence, and proactive behavior. Such attitudes are increasingly recognized as essential components of human capital development in knowledge-based economies (Asgari Ghods & Salehi, 2022; Soomro et al., 2021; Valizadeh, 2022).

The importance of fostering future orientation among adolescents has been emphasized by numerous scholars. Students who possess a clear image of their future are more likely to engage in purposeful academic and vocational planning, persist in achieving long-term goals, and develop adaptive coping strategies when confronted with uncertainty (Bakhtiari, 2018; Silva et al., 2023). Future-oriented thinking enables individuals to connect present behaviors with anticipated future consequences, thereby enhancing motivation and self-regulation (Mardoukhi, 2022; McMichael et al., 2022). Recent studies have further demonstrated that future orientation is closely associated with career self-efficacy, life projects, academic achievement, and psychological well-being (Paz-Baruch, 2024; Silva et al., 2023). Consequently, educational interventions designed to strengthen future orientation may contribute significantly to students' academic and career development.

Entrepreneurial attitude represents another important developmental outcome during adolescence. Contemporary labor markets increasingly require individuals who can create opportunities rather than merely respond to them. Entrepreneurial attitudes facilitate innovation, creativity, adaptability, and self-directed career management. Research has consistently shown that positive entrepreneurial attitudes are associated with entrepreneurial intentions, self-employment aspirations, and proactive career behaviors (Akuraun et al., 2020;

Maheshwari et al., 2022; Mohammadi & Bagheri, 2023). Moreover, educational experiences play a substantial role in shaping entrepreneurial attitudes. Exposure to entrepreneurial models, experiential learning opportunities, and supportive educational environments contributes to stronger entrepreneurial tendencies among students (Ghafouri & Hoveyda, 2023; Soomro et al., 2021).

One of the most influential theoretical frameworks for understanding career development is Krumboltz's Social Learning Theory of Career Decision-Making. This theory proposes that career choices are shaped by the interaction of genetic characteristics, environmental conditions, learning experiences, task-approach skills, and cognitive beliefs. According to Krumboltz, career development is fundamentally a learning process through which individuals acquire beliefs, preferences, and competencies that guide their professional decisions (Mohd Yunus et al., 2024; Zunker, 2023). Social learning mechanisms such as observation, modeling, reinforcement, and experiential engagement play central roles in shaping career-related attitudes and behaviors. Consequently, interventions grounded in social learning principles provide opportunities for individuals to acquire adaptive career beliefs, strengthen self-efficacy, and improve decision-making capabilities (Alkan & Cavusoglu, 2024; Chen & Wang, 2024).

A growing body of empirical evidence supports the effectiveness of Krumboltz-based interventions in promoting career development outcomes. Studies have shown positive effects on career decision-making self-efficacy, career adaptability, occupational interests, resilience, entrepreneurial attitudes, and academic motivation (Amiri, 2021; Ghanbari, 2021; Karami, 2023; Pourali Safat et al., 2015). Other investigations have demonstrated that integrating social learning approaches with career counseling models enhances students' professional competencies and long-term career planning abilities (Ghorbanpour et al., 2016; Mirzaei & Fekri, 2018; Rezaei et al., 2015). Recent international studies have similarly reported that social learning-based career interventions improve professional self-concept, career passion, and decision-making skills among adolescents (Chen & Wang, 2024; Ginting, 2024; Milot-Lapointe & Le Corff, 2024). Furthermore, contemporary career counseling literature highlights the growing importance of evidence-based interventions that prepare students for increasingly uncertain career environments (Maree, 2025; Milot-Lapointe & Arifouline, 2025; Zeng & Ka, 2025; Zhang, 2025). Despite these advances, relatively few studies have examined the simultaneous impact of Krumboltz-based career empowerment programs on both future orientation and entrepreneurial attitude among early adolescents. Therefore, the present study aimed to investigate the effectiveness of career empowerment based on Krumboltz's Social Learning Theory on future orientation and entrepreneurial attitude among ninth-grade students.

Methods and Materials

This study employed a quasi-experimental design using a pretest–posttest–follow-up structure with an experimental and a control group. The statistical population consisted of all male ninth-grade students enrolled in schools located in District 7 of Tehran during the 2024–2025 academic year. One middle school was selected purposively, and students who demonstrated relatively lower scores on measures of future orientation and

entrepreneurial attitude were identified. Thirty eligible students were selected and randomly assigned to an experimental group ($n = 15$) and a control group ($n = 15$).

The intervention consisted of a six-session career empowerment program grounded in Krumboltz's Social Learning Theory. Sessions were conducted weekly and lasted approximately 90 minutes each. Educational content focused on developing career self-concept, strengthening self-efficacy beliefs, identifying personal strengths and interests, recognizing environmental opportunities and constraints, challenging dysfunctional career beliefs, promoting observational learning, and enhancing career planning skills. Participants engaged in reflective exercises, group discussions, experiential activities, and structured career exploration tasks. The control group received no intervention during the study period.

Data were collected using the Future Orientation Questionnaire and the Entrepreneurial Attitude Questionnaire. Assessments were administered at pretest, posttest, and a two-month follow-up stage. Ethical principles were fully observed throughout the study. Participants and their parents provided informed consent, confidentiality was guaranteed, and students were informed that participation was voluntary. Data were analyzed using repeated-measures analysis of variance and Bonferroni post hoc comparisons in SPSS version 26.

Findings

Descriptive findings indicated that participants in the experimental group demonstrated substantial improvements across all dimensions of future orientation and entrepreneurial attitude from pretest to posttest, whereas scores in the control group remained relatively stable across measurement occasions. Improvements observed immediately after the intervention remained largely unchanged at the two-month follow-up assessment.

Repeated-measures analysis of variance revealed significant main effects for group, time, and group-by-time interaction across all future orientation variables. Significant improvements were observed in time perspective, anticipation of future consequences, future planning, and overall future orientation. The largest effects emerged for overall future orientation, indicating that students who participated in the intervention developed stronger cognitive and motivational engagement with their future compared to students in the control condition.

Similarly, significant effects were found for all entrepreneurial attitude variables. Achievement motivation, internal locus of control, creativity, self-esteem, and overall entrepreneurial attitude increased significantly among participants in the experimental group. Effect sizes ranged from moderate to large, suggesting meaningful practical significance of the intervention. Bonferroni post hoc analyses confirmed significant differences between the experimental and control groups across all outcome variables. The persistence of gains at follow-up further indicated that the intervention produced durable changes rather than temporary improvements.

Overall, the findings demonstrated that career empowerment training based on Krumboltz's Social Learning Theory successfully enhanced both future orientation and entrepreneurial attitude among ninth-grade students and that these improvements remained stable over time.

Discussion and Conclusion

The findings of this study demonstrate that career empowerment grounded in social learning principles can substantially strengthen adolescents' perceptions of their future and their attitudes toward entrepreneurial behavior. The observed improvements suggest that when students are provided with structured opportunities to explore career possibilities, examine their personal capabilities, challenge limiting beliefs, and learn from relevant experiences, they become more capable of envisioning meaningful future goals and developing the confidence required to pursue them. The intervention appears to have facilitated a stronger connection between present actions and future outcomes, thereby increasing students' willingness to engage in long-term planning and goal-directed behavior.

The positive effects on entrepreneurial attitude are equally noteworthy. By encouraging self-reflection, exploration of opportunities, and active engagement with career-related challenges, the intervention fostered greater achievement motivation, stronger internal control beliefs, enhanced creativity, and improved self-esteem. These psychological characteristics are fundamental components of entrepreneurial readiness and contribute to an individual's capacity to navigate uncertain and changing professional environments. The stability of outcomes during the follow-up period suggests that participants internalized many of the concepts and skills introduced during the intervention and continued to apply them beyond the training context.

The findings also underscore the importance of school-based career development programs during early adolescence. Ninth grade represents a critical period during which students begin making educational decisions that may influence future occupational trajectories. Interventions implemented at this stage can provide valuable support for informed decision-making and help students establish adaptive patterns of thinking that extend into adulthood. The results indicate that career empowerment programs should move beyond simple information delivery and instead emphasize experiential learning, self-exploration, cognitive restructuring, and active engagement with future possibilities.

In conclusion, the present study provides evidence that career empowerment based on Krumboltz's Social Learning Theory is an effective approach for enhancing future orientation and entrepreneurial attitude among ninth-grade students. By integrating experiential learning, observational processes, self-reflection, and career exploration activities, the intervention promoted important psychological resources associated with academic and professional success. These findings highlight the value of implementing structured career development programs within educational settings and suggest that such interventions can play a meaningful role in preparing adolescents for future educational, occupational, and entrepreneurial challenges.

References

- Akuraun, S., Goyit, G. M., & Dakung, R. (2020). Entrepreneurship Education Programme, Passion and Attitude towards Self-Employment. *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*, 11, 1-9. <https://doi.org/10.1108/JEEE-11-2019-0170>
- Alizadeh, H. (2019). *The Effectiveness of Non-Traditional Female Occupational Role Models Based on Krumboltz's Theory on Career-Academic Interests and Values among First-Grade Female Middle School Students* University of Tabriz].
- Alkan, I. B., & Cavusoglu, H. (2024). Examining the Effectiveness of Education Based on Social Learning Theory in Fostering Self-Care and Social Skills in School Children: A Randomized Controlled Trial. *Journal of Pediatric Nursing*, 78, 448-459. <https://doi.org/10.1016/j.pedn.2024.08.007>
- Amiri, N. (2021). *The Effectiveness of Career Counseling Based on Krumboltz's Learning Theory on Career Decision-Making Self-Efficacy and Career Indecision among Female High School Students in Islamabad-e Gharb Razi University*]. <http://ganj.irandoc.ac.ir>
- Asgari Ghods, M., & Salehi, S. (2022). *Entrepreneurial Attitude*. Miyankoosht Publishing.
- Bakhtiari, T. (2018). *Metacognitive Strategies and Academic Self-Efficacy in the Relationship between Future Orientation and Creativity among Female High School Students* Kharazmi University].
- Chen, J., & Wang, L. (2024). Modeling Career Passion and Professional Self-Concept through Social Learning Interventions in Secondary Students. *Journal of Career Assessment*, 32(1), 55-74. <https://doi.org/10.1177/10690727231234567>
- Coughlin, C., Prabhakar, J., D'Esposito, Z., Thigpen, B., & Ghetty, S. (2022). Promoting Future-Oriented Thought in an Academic Context. *Cognitive Development*, 62, 1-9. <https://doi.org/10.1016/j.cogdev.2022.101183>
- Ghafouri, K., & Hoveyda, R. (2023). Designing and Explaining a Model for Branding in Educational Organizations: Case Study of Exemplary Schools in Isfahan. *Education and Entrepreneurial Management*, 2(1), 75-92. <https://doi.org/10.22126/emc.2023.2508>
- Ghanbari, H. (2021). *The Effectiveness of Career Counseling Based on Krumboltz's Social Learning Theory of Career Decision-Making on Entrepreneurial Attitudes and Behaviors among Payame Noor University Students in Sarpol-e Zahab Razi University*].
- Ghorbanpour, A., Shafiabadi, A., Farahbakhsh, K., & Delavar, A. (2016). Developing a Career Decision-Making Program Based on Integrating Social Learning Theory with Cognitive Information-Processing Theory and Comparing Its Effectiveness with the Multi-Axial Model. *Work and Society*(193), 51-64. <http://noo.rs/943lr>
- Ginting, P. A. B. (2024). Career Guidance Based on Krumboltz's Social Learning Theory to Develop Students' Career Decisions. *Bisma Journal of Counseling*, 8(1), 49-55. <https://doi.org/10.23887/bisma.v8i1.83433>
- Karami, F. (2023). *The Effectiveness of Career Counseling Based on Krumboltz's Social Learning and Career Choice Theory on Entrepreneurial Attitudes and Behaviors: Razi University Students* Razi University].
- Khatami, A. (2017). *The Effectiveness of Planned Happenstance-Based Career Counseling on Job-Search Beliefs, Adaptability, and Decision-Making Self-Efficacy among Ninth-Grade Students* Mohaghegh Ardabili University].
- Maheshwari, G., Kha, K. L., & Arokiasamy, A. R. A. (2022). Factors Affecting Students' Entrepreneurial Intentions: A Systematic Review (2005-2022). *Management Review Quarterly*, 73(1), 1-10. <https://doi.org/10.1007/s11301-022-00289-2>
- Mansouri Haftadar, F. Z. (2022). Effectiveness of Shafiabadi's Multi-Axial Career Model Training on Academic Hope and Enthusiasm. *Modern Advances in Behavioral Sciences*, 7(55), 198-208. <http://ijndibs.com/article-1-711-fa.html>
- Mardoukhi, Y. (2022). *The Relationship of Academic Engagement with Implicit Theories of Intelligence: The Mediating Role of Motivational Beliefs and Academic Future Orientation among Theoretical and Vocational High School Students* Kharazmi University].
- Maree, J. G. (2025). Longitudinal Career Construction Counselling for a Black Female Student Experiencing Career Indecision. *South African Journal of Higher Education*, 39(1). <https://doi.org/10.20853/39-1-6007>
- McMichael, S. L., Bixter, M. T., Okun, M. A., Bunker, C. J., Graudejus, O., & Grimm, K. J. (2022). A Longitudinal Study of Vividness of the Future and Its Effects on Academic Self-Efficacy and Success. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 48(2), 478-492. <https://doi.org/10.1177/01461672211015888>
- Milot-Lapointe, F., & Le Corff, Y. (2024). Predicting Outcomes of a Manualized Individual Career Counseling Intervention. *Journal of Career Development*, 32(4), 745-759. <https://doi.org/10.1177/10690727241232438>
- Milot-Lapointe, F., & Arifouline, N. (2025). A Meta-Analysis of the Effectiveness of Individual Career Counseling on Career and Mental Health Outcomes. *Journal of employment counseling*, 62(1), 49-57. <https://doi.org/10.1002/joec.12239>
- Mirzaei, F., & Fekri, K. (2018). The Effectiveness of Integrating Shafiabadi's Multi-Axial Model with Krumboltz's Social Learning Theory on Job Satisfaction among Teachers. *New Approach in Educational Management*, 9(1), 154-172. <https://ensani.ir/file/download/article/1558180781-10022-97-8.pdf>
- Mohammadi, M., & Bagheri, R. (2023). Motivational Strategies, Career Self-Concept, and Entrepreneurship among Management Students. *Journal of Contemporary Research in Science and Research*, 5(49), 66-74. <https://jocrisar.ir/showpaper/13608>
- Mohammadi Roshan, M. (2021). *Comparing Shafiabadi's Multi-Axial Career Model with Holland's Typology Theory Regarding Students' Job-Search Beliefs* Payame Noor University]. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/8ef59d7e78b0825f3a19032a3efa51ea/fulltext>
- Mohd Yunus, N., Zainudin, Z. N., Yusop, Y. M., Wan Othman, W. N., Engku Kamarudin, E. M., & Anuar, M. (2024). Understanding Career Decision-Making Using Krumboltz's Social Learning Theory. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 14(7), 1-9. <https://doi.org/10.6007/IJARBS/v14-i7/21562>
- Pawlak, S., & Moustafa, A. A. (2023). Systematic Review of the Impact of Future-Oriented Thinking on Academic Outcomes. *Frontiers in psychology*, 14, 1-20. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1190546>

- Paz-Baruch, N. (2024). The Impact of Self-Efficacy and Self-Regulated Learning Strategies on Students' STEM Achievement. *International Journal on Theory and Practice*, 12, 1-10. <https://doi.org/10.1080/13803611.2024.2401409>
- Pourali Safat, F., Fekri, K., & Oujinejad, A. R. (2015). Integrating Shafiabadi's Multi-Axial Model and Krumboltz's Social Learning Theory to Improve Student Resilience. *Educational Research Quarterly*, 10(44), 31-44. <https://ensani.ir/file/download/article/1597854372-10249-96-161.pdf>
- Rezaei, A. S., Shafiabadi, A., & Falsafi Nejad, M. R. (2015). Comparing Shafiabadi's Model with Savickas's Constructivist Approach for Improving Decision-Making Self-Efficacy. *Counseling Research Journal*, 14(54), 26-51. <http://iranccounseling.ir/journal/article-1-129-fa.html>
- Sidiropoulou-Dimakakou, D., Mylonas, K., & Argyropoulou, K. (2015). Self-Efficacy in Career Planning: A New Approach. *International Journal of Learning, Teaching and Educational Research*, 11(2), 1-11. http://users.uoa.gr/~kmylonas/PDF_FILES/P_2015b.pdf
- Silva, A. D., De Carvalho, C. L., Coscioni, V., & Taveira, M. (2023). Future Time Orientation, Life Projects, and Career Self-Efficacy among Unemployed Individuals. *Frontiers in psychology*, 14, 1230851. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1230851>
- Soomro, B. A., Memon, M., & Shah, N. (2021). Attitudes towards Entrepreneurship among Thai Students. *Education & Training*, 63(2), 239-255. <https://doi.org/10.1108/ET-01-2020-0014>
- Valizadeh, N. (2022). *Sociological Factors Affecting Students' Entrepreneurial Attitudes: Case Study of Second-Grade High School Students in Karun County Shahid Chamran University*.
- Wampler, K. S., & Sprenkle, D. H. (2020). The Minnesota Couple Communication Program: A Follow-Up Study. *Journal of marriage and family*, 42, 577-585. <https://doi.org/10.1177/104649647500600105>
- Zare'i, F., & Fekri, K. (2020). Effectiveness of Krumboltz's Social Learning Theory on Job Performance in Technical Schools. *New Approach in Educational Management*, 11(43), 315-332. https://jedu.marvdasht.iau.ir/article_4295.html
- Zare, A. (2017). *Career Counseling Based on Krumboltz's Theory to Improve Academic Achievement and Self-Efficacy* Islamic Azad University, Marvdasht Branch].
- Zeng, H., & Ka, C. M. H. (2025). Assessing Career Decision-Making Interventions: Effects of Career Courses and Group Counseling on High School Students. *The Career Development Quarterly*, 73(1), 68-78. <https://doi.org/10.1002/cdq.12371>
- Zhang, H. (2025). Design and Implementation of Higher Education Student Counseling and Career Guidance Platform Based on Big Data Technology. *Applied Mathematics and Nonlinear Sciences*, 10(1). <https://doi.org/10.2478/amns-2025-0276>
- Zunker, V. G. (2023). *Career Counseling*. Brooks/Cole Publishing Company.